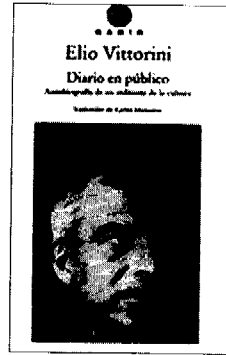


# روایتگر سیسیلی

آشنایی با الیو ویتورینی  
نویسنده نامدار ایتالیایی  
(به یاد مهدی سعابی)  
● آرش نقیبیان



کتاب

الیو ویتورینی نویسنده و مترجم نامدار ایتالیایی در ژوئن ۱۹۰۸ در سیراکوز به دنیا آمد، ایام جوانی او در ایستگاه‌های کوچک قطار در سیسیل آن‌جا که پدرش به عنوان کارگر راه‌آهن در رفت و آمد بود سپری شد، دوره ابتدایی و سه سال هنرستان حرفه‌ای را در سیسیل گذراند و سرانجام به دنبال یافتن کاری در ونیز، سیسیل را برای همیشه ترک کرد هرچند فکر و اندیشه نوستالوژیک زادگاهش تا همیشه با او باقی ماند.

سال‌های اولیه اقامت در فلورانس را در آتلیه نقاشی عمویش به سر برد و برای امرار معاش فرم‌های چاپی روزنامه‌ها را تصحیح کرد. در این زمان دوستی قدیمی او را تشویق به آموختن زبان انگلیسی کرد. وقتی بر اثر مسمومیت ناشی از سرب وادار به ترک چاپخانه شد تا به اندازه‌ای به زبان انگلیسی تسلط یافته بود که می‌توانست از طریق ترجمه امرار معاش کند. اولین رمان ویتورینی در سال ۱۹۳۳ با عنوان «میخک سرخ» به صورت پاورقی در مجله سولاریا منتشر شد ولی با چاپ قسمت سوم رمان، مجله توقیف شد و قسمت‌های بعدی پاورقی نیز با سانسور مواجه گشت. نکته جالبی که درباره الیو ویتورینی در تاریخ ادبیات ایتالیا شهرت یافته است تغییر جهت و خط سیاسی و ایدئولوژیک او از جناح چپ حزب فاشیسم به حزب کمونیست ایتالیا است. ویتورینی نقش فاشیسم را برانگیختن شور و هیجانات کاذب در نسل جوان می‌دانست که طبعاً این تلقی به مذاق صاحبان قدرت خوش نمی‌آمد. او که از میزان تنش‌های بین‌المللی آگاه بود کوشید نظریاتش را در لابه‌لای صفحات روزنامه‌های فاشیست ایتالیا بگنجانند و تا آن‌جا پیش رفت که در مقاله‌ای به نفع جمهوریخواهان اسپانیا و علیه ژنرال فرانکو به شدت موضع‌گیری کرد و اسباب اخراج خود را از صفوف سازمان‌های فاشیستی فراهم آورد. جنگ داخلی اسپانیا نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت ویتورینی داشت و در شکل‌گیری بینش و آگاهی سیاسی این نویسنده تأثیر فراوانی گذاشت.

ویتورینی در زمان اشغال ایتالیا توسط آلمان، به جنبش مقاومت در میلان پیوست و با مطبوعات زیرزمینی همکاری کرد، او در این دوره کتاب «مردان و نه» را درباره پارتیزان‌های میلان نوشت که این کتاب پس از آزادی ایتالیا به چاپ رسید. از دیگر فعالیت‌های مهم الیو ویتورینی انتشار ماهنامه ایل پلی تکنیکو بود

که نخستین شماره آن در ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۵ با سرمقاله‌ای از ویتورینی منتشر شد. انتشار این ماهنامه بی‌گمان رویداد فرهنگی بسیار مهمی محسوب می‌گردد که در گام اول هدفش کشف استعداد‌های جوان و هدایت این نسل جدید در داستان‌نویسی معاصر ایتالیا بود. در دسامبر ۱۹۴۷ انتشار این مجله متوقف شد، اما ارتباط ویتورینی با نسل جوان قطع نشد و او همچنان به فعالیت‌های خود در جهت کشف نویسندگان با استعداد و همچنین دلمشغولی دیگرش که معرفی ادبیات مدرن خارجی به فرهنگ‌دوستان ایتالیایی بود، ادامه داد. پیش از بررسی کتاب «مکالمه در سیسیل» به عنوان مهم‌ترین رمان این نویسنده لازم است اندکی به نقش مهم ویتورینی به عنوان مترجم در ادبیات ایتالیا اشاره شود.

ویتورینی پس از کسب تسلط در زبان انگلیسی و آشنایی با چاره پاره‌ها که او نیز از نویسندگان و مترجمان بزرگ ادبیات ایتالیا به حساب می‌آید شروع به ترجمه رمان‌های مهم ادبیات آمریکا و انگلیس به زبان ایتالیایی کرد. فعالیت ویتورینی به‌عنوان مترجم (در سال‌هایی که ادبیات آمریکا با زبان و محتوای نوین هواخواه بسیار داشت) به‌زودی بدل به یک جریان مهم فرهنگی شد و این بی‌گمان برای ادبیات کشور ایتالیا که خطر غرق شدن در نوعی بومی‌گرایی و ناسیونالیسم کوفته‌کرانه تهدیدش می‌کرد به مثابه دمیدن روح تازه‌ای بر کالبدی روبه‌احتضار بود. ویتورینی و پاره‌ها به عنوان فرزندان عصر ترجمه در ادبیات ملی ایتالیا شناخته می‌شوند و جای هیچ تردیدی نیست که حرکت این دو تن از تعهد جوشان سیاسی و آزادخواهی آن‌ها آب می‌خورد.

سرانجام به کتاب مکالمه در سیسیل می‌رسیم که به گفته منتقدان ادبی بهترین کتاب ویتورینی و از رمان‌های برگزیده ادبیات ایتالیا در قرن بیستم است. مکالمه در سیسیل در سال ۱۹۴۱ توسط انتشارات بومیانی منتشر شد و در مدت کوتاهی نسخه‌های آن به اتمام رسید و نایاب شد. برای درک بهتر این کتاب تذکر این نکته لازم است که یکی از مؤلفه‌ها و نگره‌های اصلی ذهنیت ویتورینی اعتقاد عمیق او به ترنالیسم سوسیالیستی است. این ترنالیسم - سیاسی که توسط هیأت حاکمه اتحاد جماهیر شوروی و خصوصاً شخص (ژدانف) پی‌ریزی شده بود درصد تئوریزه کردن خلاقیت‌های ادبی نویسندگان در چارچوب محدود و خاص بود که مورد پسند و تأیید حزب کمونیست باشد و از قضا یکی از موارد اختلاف ویتورینی با حزب فاشیست ایتالیا که او ابتدا عضو آن و سپس از آن جدا شد، همین اعتقاد وی به اندیشه تعهد سیاسی در ادبیات بود و بی‌گمان برآیند این اعتقاد در رمان‌های ویتورینی نیز به چشم می‌خورد چه در کتاب میخک سرخ که اولین رمان او محسوب می‌شود و چه کتاب بسیار مهم مکالمه در سیسیل، دومین نکته مهم درباره نحوه جهان‌بینی این نویسنده، تعلق او به فضای ایتالیای جنوبی و ناحیه سیسیل است. ویتورینی در تمامی رمان‌ها و داستان‌های خود مانند دیگر نویسندگان سیسیلی لئونارد شیاننا فضای سیاسی و فرهنگ سیسیلی را خصوصاً در دهه‌های سی و چهل قرن بیستم بازتاب داده است. در کتاب مکالمه در سیسیل، قهرمان کتاب که به گفته خودش در آن سال‌های جوانی دچار شورهای انتزاعی بوده پس از دریافت نامه‌ای از پدرش تصمیم می‌گیرد که پس از پانزده سال دوری از زادگاهش به سیسیل برگردد. سفر راوی به سیسیل مقدمه‌ای است تا نویسنده به بهترین شکلی فضای فکری و فرهنگی این ناحیه از کشور ایتالیا را واری کند.

در این سفر سیلوسترو (راوی) با تیپ‌های متفاوت و ناهمگون از مردمان طبقات مختلف کشور ایتالیا آشنا می‌شود و در این میان قلم نویسنده به طرز حیرت‌انگیزی ترسیم‌گر فقر مردمان جنوب ایتالیا است و تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی میان دو ناحیه شمال و جنوب آن کشور به شکل هنرمندانه‌ای تصویر می‌شود.

راوی پس از ورود به سیسیل نزد مادرش می‌رود. مادری که به گفته او نسبت به پانزده سال قبل هیچ تفاوت خاصی نکرده است. از این قسمت تا پایان رمان را وی به همراه مادرش در گفت‌وگویی جذاب و خواندنی (مکالمه در سیسیل) به یادآوری و مرور خاطرات سال‌هایی دور زندگی در آن شهر کوچک زادبومش می‌پردازد و در این میان برای خوانندگان کتاب بسیاری از نقاط تاریک و روشن زندگی سیلوسترو آشکار می‌شود.

ویتورینی با خلق شخصیت سیلوسترو در کتاب مکالمه در سیسیل به دنبال آفرینش یک تیپ نمونه از روشنفکر آرمانگرا و ایده‌آلیست است. سیلوسترو در این کتاب نماد آن دسته از روشنفکران است که از وضعیت سیاسی و فرهنگی

موجود در ایتالیا شدیداً دلزده هستند و آرمان نجات بشریت از دست رفته را در سر می‌پرورانند. اما اندکی هم به سبک نگارش ویتورینی بپردازیم، سبک رمان‌نویسی این نویسنده کاملاً شخصی و منحصر به فرد است. ویتورینی استاد نوشتن دیالوگ‌های خلاق و انتزاعی است و این نوع نگارش به خصوص در کتاب مکالمه در سیسیل نمود خاصی پیدا می‌کند. نثر او نثری تلگرافی است که با هر پاراگراف خود خواننده مشتاقی را به عمق حادثه رهنمون می‌کند.

در سال ۱۹۶۳ ویتورینی که در ۱۹۵۵ غم جانکاه از دست دادن فرزند را آزموده بود تحت عمل جراحی خطرناکی قرار گرفت. پس از بهبودی، رمان «زنان مسینا» را که یک‌بار در ۱۹۴۹ به چاپ رسانده بود به دلیل ناهمخوانی با بینش جدیدش بازنویسی کرد و از آن پس به ساماندهی و تدوین اندیشه‌هایش در باب ادبیات پرداخت، اما بیماری به او مهلت چندانی نداد و سرانجام در ۱۲ فوریه ۱۹۶۶ در سن ۵۸ سالگی او را از پا درآورد. از این نویسنده بزرگ ایتالیایی رمان مکالمه در سیسیل در سال ۱۳۸۸ توسط منوچهر افسری و انتشارات کتاب خورشید به چاپ رسیده است. □

## قلم طنز «داور» فریبا حاج‌دایی

مجموعه داستان «قطار» در حال حرکت است» نوشته میترا داور به تازگی از سوی انتشارات هیلا - ققنوس منتشر شده و به بازار آمده است. این کتاب شامل ۱۶ داستان کوتاه است که با مضمونی اجتماعی و قلمی طنز نوشته شده‌اند. میترا داور، دنیای اطرفش را به خوبی



دیده و با ارائه تصویری موجز فشارهای بیرونی وارد آمده بر آدمی و تأثیر موحش آن بر روح و روان او را، بی‌هیچ قضاوتی، در معرض دید خواننده می‌گذارد تا جایی که خواننده به خود می‌گوید: «یعنی نمی‌شد جور دیگری زندگی کرد؟!». داستان‌های او راه‌حل نمی‌دهد و تنها در ذهن خواننده سؤال ایجاد می‌کند. آدم‌های داستانی او جبون‌اند، به کنافت خو کرده‌اند، بی‌رحم‌اند، مستأصلند و به‌رغم تمامی این‌ها دوست‌داشتنی هستند، چرا که آدم‌اند و بنده شرایط. اولین داستان کتاب «حق مساوی» نمونه خوبی بر این مدعا است. آدم‌هایی، زن و مرد، که در فضای کارگاهی کار می‌کنند به آزار زن حامله‌ای می‌پردازند، که به‌زودی به مرخصی چهارماهه‌ی زایمان خواهد رفت. او مرخصی خواهد داشت و پولش را هم خواهد گرفت و برای همین هدف حسدورزی‌های همکارانش قرار می‌گیرد. آن‌ها با گوشه و کنایه کلافه‌اش می‌کنند، جلو دستشویی رفتن‌اش را می‌گیرند و حتی تا به آن‌جا پیش می‌روند که مردی را که گاهی به او کمک می‌کرده کتک می‌زنند و تهمت‌های ناروا بارش می‌کنند. این آدم‌ها که در شرایط دیگری می‌توانستند سرشار از رحم و انصاف باشند با بی‌انصافی تمام به آزار زنی می‌پردازند که مانند هر زن پایه دیگری شاید ضعیف‌ترین و یا قابل‌ترحم‌ترین موجود جهان است.

داستان تمام می‌شود درحالی‌که با این سؤال کلنجار می‌رود که چه بر سر این‌ها رفته که این شده‌اند که هستند.

داستان دوم کتاب «نظرخواهی در کوچه‌ای قدیمی» به ملال آدم‌هایی می‌پردازد که با دست‌انداختن دیگری ملال را از خود دور می‌کنند، طرفه آن‌که آن دیگری تنها کسی است که توانسته اندکی از پس زندگی برآید و سرپناهی ولو بسیار کوچک برای زن و بچه‌اش فراهم آورد. «زمان در تبعید» داستانی است تجربی از زبان راوی اول شخصی که گویا مرده. شخصاً نتوانستم با داستان ارتباط برقرار کنم. «قطار در حال حرکت است» وضعیتی را مجسم می‌کند که همه‌چیز ایستا است و به خواب مرگ فرو رفته و این در حالی است که مسافران قطار حس حرکت دارند و فکر می‌کنند که دارند به پیش می‌روند و وقتی متوجه می‌شوند که مدت‌ها است که درجا زده‌اند و قطارشان ایستاده توان پیاده شدن و پیدا کردن وسیله نقلیه دیگری را ندارند. تنها دو تن از مسافران که از قضا جوان هستند و ظاهراً چندان در بند پیش رفتن قطار نبوده‌اند جرأت پیاده شدن از قطار و پیدا کردن وسیله نقلیه دیگری را پیدا می‌کنند. نظرگاه داستان اول شخص جمع است که البته نظرگاه سختی است و نویسنده نتوانسته در تمامی داستان آن را حفظ کند. «خط نازک ادرار» پرسنل شرکتی را مجسم می‌کند که همگی، بی‌هیچ دلیل مشخصی، از مردی و زنی افتاده‌اند؛ آدم‌هایی مسخ شده در محیطی مسخ شده‌تر که تمامی آدم‌های آن سوی ادرار می‌دهند و عجیب آن‌که برای هیچ‌کدامشان غریب نیست. داستان که نظرگاه دانای کل دارد از فضاسازی خوبی برخوردار است. «ایستاده هم می‌شود خوابید» اجبار به کار، آن هم از نوع طاقت‌فرسایش را، نشان می‌دهد. کاری که حتی در روز شهادت و تعطیل همگانی هم تعطیل‌بردار نیست و آدم‌های این داستان حتی فرصت فکر کردن هم ندارند و شب و روزشان را کار و تلویزیون بر کرده است. داستان خوب و قابل قبول از کار درآمده است. «حرکت کند جارو» داستانی است در مرز «فیلم‌نامه و داستان کوتاه»